

من انتخاب می کنم خوشحال باشم

تألیف
الیزابت استرادا


مترجمان
زهره عربزاده کوپائی
لیلا سادات سجادی
فرشته سلمانی





من منفی و بدبخت بودم
و زیاد سرگرم کننده نبودم.
مثل ابری بود که
جلوی خورشید را گرفته بود.

شنیده بودم که صورتم زیبا بود
با لبخندی واقعاً دوست داشتنی.
مدت زیادی بود که
دندان‌هایم را به دنیا نشان نداده بود.



من هیچ وقت جوک نگفتم
و اغلب اخم می کردم.
خیلی چیزها در زندگی
فقط به نظر می رسید که من را ناامید کرده است.

هر شب در اتاق خوابم
جلوی آینه می ایستادم
و آنچه را که دیگران می دیدند نمی دیدم.
نمی توانستم نور را ببینم.

